



تفسیری بر

چشم‌اندازهای گزارشگری مالی جهانی

✍ ترجمه و تلخیص: سمانه آقا کاظم شیرازی، محمدامین قنبری تفرشی

Mary E. Barth

مقدمه

مقاله حاضر وضعیت بهره‌برداری جهانی از استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی^۱ را بررسی کرده و دیدگاهی برای چشم‌انداز گزارشگری مالی جهانی مطرح می‌کند. تحولی که در راستای به‌کارگیری کشورهای جهان از استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی به‌وجود آمده است، یکی از بزرگترین تحولات تاریخ گزارشگری است. اگرچه بسیاری از کشورها به‌واسطه حضور در بازارهای بورس جهانی، به‌کارگیری استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی را مجاز شمرده یا الزامی کرده‌اند، اما تغییر نگرش در زمینه کاربرد همگانی این استانداردها، کماکان ناتمام مانده است.

این موضوع در زمینه الزام و یا مجوز به‌کارگیری استانداردها و در زمینه اجرایی کردن و کاربرد متفاوت استانداردها در سراسر جهان، مصداق دارد. افزون بر این، هیئت تدوین استانداردهای بین‌المللی حسابداری^۲ دستور جلسه‌ای به‌منظور بهبود استانداردهای موجود در برنامه کاری خود قرار داده است. بدین ترتیب این‌گونه استنباط می‌شود که رسیدن به هدف عالی، که گزارشگری مالی باکیفیت در سطح جهان است، تاکنون تحقق نیافته است.

در واقع، دستیابی به این هدف هیچ‌گاه به‌طور کامل محقق نخواهد شد؛ چراکه همواره میان برنامه‌ریزی و اجرا تفاوت‌هایی وجود دارد. به‌رغم نامشخص بودن تفاوتها در به‌کارگیری و اجرای استانداردها، تصمیم‌گرفتن زودهنگام برای صرف‌نظر کردن از این هدفها که مزایای درونی برای آینده دارند، امری نابه‌جاست. به عبارت دیگر، باید طرح‌هایی برای مرحله بعدی گذر به‌سوی گزارشگری مالی جهانی ریخته شود.

در این راستا، استفاده‌کنندگان از صورتهای مالی باید نحوه تفسیر و تلفیق اطلاعات مالی گوناگونی را که در فرایند تصمیم‌گیری آنها تأثیرگذار است، بیاموزند. حساب‌رسان و قانون‌گذاران نیز باید الزامها و قوانین ضروری برای قضاوت مرتبط با اجرای آنها را درک کنند. همچنین، افراد دانشگاهی باید منابع تدریس خود را تغییر داده و روش تبیین آن به دانشجویان را برای کمک به تفکر آنان در حوزه استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی، فراگیرند. برخی معتقدند دستیابی به استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی به بهای حذف برخی از الزامهای خاص کشور است (Ball et al., 2000).

با وجود تفاوت در محیطهای اقتصادی، اصول و مبانی اقتصادی در تمامی آنها جاری است. به میزانی که استانداردها تمرکز بیشتری بر اصول اقتصادی داشته باشند، نبود اطلاعات مرتبط با نبود الزامهای خاص کشور کاهش خواهد یافت. در



رسیدن به هدف عالی
گزارشگری مالی با کیفیت
در
سطح جهان
تاکنون
تحقق نیافته است

فزونی منافع بر مخارج گزارشگری مالی جهانی

همان‌گونه که جاکوب سل (Jacob Soll) تاریخدان در کتاب خود با عنوان «پاسخگویی مالی، پیروزی و شکست ملل: یک فرض» بیان می‌کند که حسابداری مالی را می‌توان بدعت‌گذار یک جامعه مرفه دانست (Soll, 2014)، در حال حاضر، استفاده از نظام گزارشگری مالی جهانی را می‌توان بخشی از این بدعت‌گذاری‌ها دانست. چارچوب مفهومی به‌عنوان زیر بنای گزارشگری مالی بیان می‌دارد که مأموریت گزارشگری مالی، «فراهم آوردن اطلاعات مالی سودمند درباره واحد گزارشگر به منظور ارائه به سرمایه‌گذاران بالفعل و بالقوه، اعتباردهندگان و دیگر بستانکاران برای تصمیم‌گیری در راستای تأمین منابع واحد تجاری» است و تصریح کرده که استفاده‌کنندگان اصلی و بنیادین گزارشهای مالی، تأمین‌کنندگان سرمایه برون‌سازمانی هستند که برای تصمیم‌گیری‌های اقتصادی خود منبعی به غیر از گزارشهای مزبور در دسترس ندارند (IASB, 2010; FASB, 2010).

در ارتباط با فزونی منافع بر مخارج به‌کارگیری استانداردهای گزارشگری مالی جهانی، بحثهای بسیاری وجود داشته و تحقیقهای دانشگاهی شواهدی در این راستا ارائه کرده‌اند (SEC, 2007). مزیت اصلی این نوع گزارشگری، قابلیت مقایسه بالای اطلاعات است. همان‌گونه که می‌دانیم، یکی از ویژگی‌های اطلاعات حسابداری قابلیت مقایسه است که به استفاده‌کنندگان از صورتهای مالی امکان می‌دهد تا وجوه افتراق و تشابه میان اقلام صورتهای مالی را شناسایی و ارزیابی کنند. در ابعاد وسیعتر، قابلیت مقایسه به تأمین‌کنندگان سرمایه برون‌سازمانی امکان می‌دهد تا تصمیمهای آگاهانه‌تری بگیرند که منجر به تخصیص بهینه سرمایه شود (Barth et al., 2012).

در بسیاری از کشورها، قابلیت مقایسه بالاتر، کیفیت گزارشگری مالی را نیز افزایش داده است (Barth et al., 2008). کیفیت بالای گزارشگری مالی نیز به اتخاذ تصمیمهای مناسب کمک می‌کند. کیفیت گزارشگری مالی تنها به اعمال موازین استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی وابسته نیست؛ بلکه با اجرای یکنواخت استانداردها نیز مربوط است. ترکیب موارد یادشده، قابلیت مقایسه گزارشگری مالی را تضمین می‌کند.

بازارهای سرمایه بین‌المللی

خواستار به‌کارگیری

گزارشگری مالی جهانی

هستند



از زمان اعلام گرایش اتحادیه اروپا به استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی در سال ۲۰۰۲ تا زمان لازم‌الاجرا شدن آن در سال ۲۰۰۵، سرعت تدوین استانداردهای گزارشگری مالی قابل استفاده در سراسر جهان، دستکم در دنیای گزارشگری مالی خیره‌کننده و بی‌سابقه بوده است.

با وجود آن که کانادا از اولین کشورهای علاقه‌مند و موافق به‌کارگیری استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی نبوده، اما همواره در این زمینه به ایفای نقش پرداخته و دارای جایگاهی بااهمیت در دنیای گزارشگری مالی است. کارشناسان و افراد متخصص در حوزه گزارشگری مالی و تدوین استانداردهای این کشور از ابتدا در تدوین استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی فعالیت داشته و با ارائه تجربه‌های مفید خود به بهبود کیفیت و اعتباردهی این استانداردها یاری رسانده‌اند. تصمیم کانادا مبنی بر الزام کاربرد استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی در نهادهای عمومی در سال ۲۰۱۱ گامی مهم در گزارشگری مالی جهانی بوده است.

این امر نه تنها به دلیل نقش بااهمیت این کشور در بازار سرمایه، بلکه به دلیل روابط تنگاتنگ تجاری کانادا با ایالات متحده آمریکا و به‌کارگیری اصول پذیرفته‌شده حسابداری^۳ به‌وسیله بسیاری از بزرگترین شرکتهای فعال در بورس ایالات متحده آمریکا است؛ بنابراین پذیرش استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی به‌وسیله کانادا، پیام روشنی در حمایت از استانداردهای مدون پیشرفته

این راستا، نادیده گرفتن الزامها در به‌کارگیری استانداردها، دستکم در مرحله گذار، از طریق ایجاد هزینه‌های اضافی، تأثیر مخربی به همراه خواهد داشت. برای مثال، سرمایه‌گذاران انفرادی که با الزامها و مفاهیم بازار سرمایه آشنا نیستند، ممکن است در ابتدای امر با مشکلاتی در به‌کارگیری استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی روبه‌رو شوند.

کشورهای پذیرای استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی

دستیابی به هدف کاربرد جهانی استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی، تمامی شرکتهای فعال را ملزم به رعایت این استانداردها می‌کند. بیش از ۱۰۰ حوزه به استثنای ایالات متحده آمریکا، ژاپن و چین، استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی را پذیرفته‌اند (Pacter, 2014).

اگرچه به‌کارگیری گزارشگری مالی جهانی برای سالهای پی‌درپی به تعویق افتاده بود، اما با الزام شرکتهای پذیرفته‌شده بورس کشورهای گوناگون از جمله اتحادیه اروپا، استرالیا و آفریقای جنوبی در سال ۲۰۰۵، این موضوع از سر گرفته شد. پیش از این در سال ۲۰۰۱، هیئت تدوین استانداردهای بین‌المللی حسابداری به‌منظور ایجاد استانداردهای گزارشگری مالی قابل قبول در سراسر جهان، تشکیل شد. این هیئت، به تدوین مجموعه‌ای از استانداردهای گزارشگری مالی با کیفیت در سطح بازارهای جهانی پرداخت.

از سوی جامعه جهانی حسابداری به عنوان مبنایی برای گزارشگری مالی جهانی خواهد بود.

ایالات متحده آمریکا

نبود الزام در به کارگیری استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی از سوی مؤسسه‌های آمریکایی، موجب نگرانی شده است. این نگرانی از آن روی است که ایالات متحده در تشکیل هیئت تدوین استانداردهای بین‌المللی حسابداری مالی، نقش کلیدی برای انتشار استانداردهای گزارشگری مالی جهانی داشته است. در حقیقت، ساختار استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی براساس ساختار سازمانی هیئت تدوین استانداردهای حسابداری مالی^۴ الگوسازی شده است. افزون بر این، همگرایی میان استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی و اصول پذیرفته‌شده حسابداری از اولویتهای هیئت تدوین استانداردهای حسابداری مالی و هیئت تدوین استانداردهای بین‌المللی حسابداری است. همچنین از سال ۲۰۰۱، تمرکز اصلی هیئت تدوین استانداردهای بین‌المللی حسابداری، بر به کارگیری استانداردهای یادشده به وسیله شرکت‌های آمریکایی می‌باشد (Pacter, 2013).

به کارگیری استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی، خواه به صورت پذیرش کامل یا همگرایی میان استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی و اصول پذیرفته‌شده حسابداری، موجب کاهش نگرانی در این حوزه خواهد شد. اگرچه پذیرش کامل یا همگرایی تاکنون تحقق نیافته، اما پیشرفت آن درخور توجه است.

هیئت تدوین استانداردهای حسابداری مالی و استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی با فعالیت مشترک، به دنبال دستیابی به همگرایی میان استانداردهای گوناگون هستند. در برخی موارد، مانند ترکیبهای تجاری، اندازه‌گیری ارزش منصفانه و درآمد قراردادهای مشتریان، همچنین دو فصل اول چارچوب مفهومی، هیئتهای یادشده استانداردهای مشابهی را تدوین و منتشر کردند و از اینرو استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی و اصول پذیرفته‌شده حسابداری، رابطه نزدیکتری نسبت به گذشته دارند (IASB, 2010; FASB, 2010).

کمیسیون اوراق بهادار و بورس^۵ آمریکا در سال ۲۰۰۷ الزامهای مربوط به مطابقت سود خالص با ارزش دفتری حقوق صاحبان سهام را از استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی برای شرکتهای خصوصی غیرآمریکایی حذف کرد؛ البته این موضوع جامه عمل به خود نپوشید (SEC, 2007). از همان سال، کمیسیون اوراق بهادار و بورس و اعضای آن، تلفیق احتمالی استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی با نظام گزارشگری مالی آمریکا را مورد توجه قرار دادند؛ اما تاکنون، کمیسیون اوراق بهادار و بورس قانون نهایی را وضع نکرده است (SEC, 2011).

در کنفرانس ملی انجمن حسابداران رسمی آمریکا^۶ در دسامبر سال ۲۰۱۴، پیشرفتهای هیئت نظارت بر حسابداری شرکتهای سهامی عام^۷ و کمیسیون اوراق بهادار و بورس مورد بحث و بررسی قرار گرفتند. به اعتقاد حسابدار کل کمیسیون اوراق بهادار و بورس، برای استانداردهای بین‌المللی تاکنون تصمیم نهایی گرفته نشده است. وی تصریح کرده که با توجه به قوانین بورس و اوراق بهادار موجود، استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی همچون الزامهای افشای قانونی، می‌تواند به عنوان اصولی غیر از اصول پذیرفته‌شده حسابداری^۸ در نظر گرفته شود.

راهکار جدید، این آزادی را به مؤسسه‌های آمریکایی خواهد داد تا اطلاعات استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی، همچون سود خالص را بدون تلفیق به مقادیرهای متناظر در اصول پذیرفته‌شده حسابداری آمریکا اضافه کنند. این امر موجب کاهش هزینه‌های گزارشگری براساس استانداردهای بین‌المللی به وسیله مؤسسه‌های آمریکایی خواهد شد. به رغم خوشایند بودن این روش، میزان گرایش به این موضوع نامشخص است.

اگرچه برخی شرکتهای فرعی غیرآمریکایی که گزارشگری آنها مبتنی بر استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی است، هر دوی این اطلاعات را ارائه می‌کنند؛ اما تا زمانی که بیشتر مؤسسه‌ها به این باور نرسند که ارائه این اطلاعات در تصمیم‌گیری استفاده‌کنندگان سودمند است، به چنین

در ارتباط با استانداردها و همچنین مفید بودن اطلاعات گزارش شده بر مبنای آنها، تنها کمیسیون اوراق بهادار و بورس آمریکا می‌باشد. دیگر کشورها نیز لازم است تا برای پذیرش استانداردها، فزونی منافع بر مخارج آن را ارزیابی کرده و تصمیم متناسبی بگیرند؛ اما به نظر می‌رسد که بیشتر کشورهای جهان باید مستقل از آمریکا کار خود را پیش ببرند.

نگرانی اصلی: مقایسه پذیری و کیفیت

یکی از نگرانیهای ایالات متحد در گرایش به استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی، نبود هماهنگی و توازن در اجرایی کردن استانداردهای یادشده در سراسر جهان است که این موضوع با تحقق مقایسه‌پذیری در نظام گزارشگری مالی جهانی مرتبط است؛ به‌ویژه، درک این موضوع دشوار است که چگونه اجرای استانداردهای بین‌المللی در آمریکا با دیگر کشورهایی که مشخص نیست چه زمانی این استانداردها را به‌کار خواهند گرفت، می‌تواند مقایسه‌پذیری داشته باشد. اگرچه این مطلب درست است، اما پاسخگویی به موضوعهای زیر را امکانپذیر نمی‌سازد.

نخست اینکه این مطلب تعهدهای آینده را به‌صورت ضمنی نادیده گرفته است. بدیهی است با گذر زمان و آشنایی بیشتر با استانداردهای بین‌المللی و استفاده از آن در سطح بین‌المللی، گرایش به آن نیز بی‌شک بیشتر خواهد شد. حتی در حال حاضر نیز بعضی از مؤسسه‌های آمریکایی برای تهیه گزارشهای داخلی مرتبط با شرکت‌های فرعی غیرآمریکایی خود از استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی استفاده می‌کنند؛ چنانچه این شرکت‌های ادغام‌شده آمریکایی استانداردهای بین‌المللی را به‌صورت مستمر به‌کار گیرند، این امر موجب بهبود استانداردها خواهد شد. افزون بر این، جامعه جهانی پیگیر توسعه استانداردهای بین‌المللی شده است تا بتواند اجرای این استانداردها را تسهیل کند.

کمیسیون اوراق بهادار و بورس آمریکا در رابطه با استانداردهای بین‌المللی که به‌وسیله غیرآمریکایی‌ها تدوین و به‌کار گرفته می‌شود، در حال به‌دست آوردن تجربه است؛ با وجود این، مؤسسه‌های آمریکایی در حال حاضر

اقدامی دست نخواهند زد؛ زیرا اعتقاد بر آن است که ارائه کردن دو مقدار برای يك قلم از صورتهای مالی، موجب سردرگمی استفاده‌کنندگان و الزام شرکت به افشای اقلام بیشتر خواهد شد. صرف‌نظر از موارد یادشده، این راهکار پیشنهادی از هدف الزام و یا اجازه مؤسسه‌های آمریکایی در به‌کارگیری استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی به جای اصول پذیرفته‌شده حسابداری آمریکا، بسیار دور خواهد بود.

گزارشگری مالی جهانی بدون ایالات متحد آمریکا

این امر آشکار است که کمیسیون اوراق بهادار و بورس آمریکا به این زودی تصمیمی مبنی بر به‌کارگیری استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی در نظام گزارشگری مالی آمریکا ندارد. اگرچه این خبر برای حامیان گزارشگری مالی جهانی خوشایند نیست، اما آشکار است که تصمیم‌گیرنده نهایی



استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی

بر اساس چارچوب نظری

شفاف و کاملی

مبتنی بر

اصول اقتصادی

تدوین شده‌اند

از اصول پذیرفته شده حسابداری استفاده می کنند، با یکدیگر مقایسه پذیری دارند؛ با این حال، مقایسه پذیری هرگز به طور کامل محقق نمی شود. از اینرو در وهله آخر، پرسش قابل طرح آن است که چگونه حدود نبود هماهنگی و تطابق استانداردهای بین المللی با اصول پذیرفته شده حسابداری مقایسه می شود.

تحقیقاتی دانشگاهی نشان داده اند که این ناهماهنگی به هنگام مقایسه ارقام مبتنی بر اصول پذیرفته شده حسابداری به کار گرفته شده در مؤسسه های آمریکایی با ارقام مبتنی بر استانداردهای محلی به کار گرفته در مؤسسه های غیر آمریکایی، آشکار است (Lang et al., 2006; Bradshaw and Miller, 2008). اما شواهد متعددی نیز از مدیریت سود مؤسسه های آمریکایی براساس اصول پذیرفته شده وجود دارد که با اظهار نظر مقبول حسابرسی نیز همراه بودند که مانند شرکت های انرون و ورلدکام، برخی نیز شاخصی از بدنامی و رسوایی مالی شده اند (Healy and Wahlen, 1999).

بنابراین به کارگیری اصول پذیرفته شده حسابداری یا استانداردهای بین المللی نه تنها مقایسه پذیری اطلاعات مالی را تضمین نمی کند. مقایسه پذیری به استفاده کنندگان این امکان را می دهد تا شباهتها و تفاوت های میان اقلام صورت های مالی را تشخیص دهند. در نتیجه باید اذعان داشت که لازم است مقایسه پذیری بر مبنای ارقام مبتنی بر اصول پذیرفته شده حسابداری و استانداردهای بین المللی صورت پذیرد (Landsman et al., 2012).

نگرانی دیگر آن است که آیا منافع گرویدن به استانداردهای بین المللی برای مؤسسه های آمریکایی، بیش از هزینه های رعایت اصول پذیرفته شده آن کشور است یا خیر؟ این نگرانی با بحث نبود هماهنگی و تطابق نیز ارتباط دارد، البته کمی متفاوت تر؛ به خصوص اگر استانداردهای بین المللی منجر به کیفیت بالای گزارشگری مالی نشود، به کارگیری هم زمان اصول پذیرفته شده و این استانداردها ضرورتی نخواهد داشت. بنابراین باید کیفیت بالای استانداردهای بین المللی برای کمیسیون اوراق بهادار و بورس توجیه منطقی داشته باشد. هدف استانداردهای بین المللی، افزایش سطح کیفیت

استانداردهای بین المللی را اساس کار خود قرار نخواهند داد. به بیان دیگر تا زمان الزام یا صدور مجوز از سوی کمیسیون اوراق بهادار و بورس، این امر به تأخیر خواهد افتاد. این امر نه تنها مسئله را برطرف نمی کند، بلکه بر نگرانیها نیز خواهد افزود.



تهیه کنندگان صورتهای مالی

باید به خاطر داشته باشند که

عملکرد صحیح باعث می شود

تا با صرف هزینه سرمایه کمتر

منافع بیشتری از

بازار سرمایه کسب کنند

در وهله دوم، پرسش مرتبط تر این است که مقایسه پذیری مؤسسه های آمریکایی در صورت استفاده از اصول پذیرفته شده کشورشان بیشتر خواهد بود یا هنگامی که از استانداردهای بین المللی استفاده کنند؟ گرچه این پرسش با نگرانی درباره به کارگیری استانداردهای بین المللی غیر مرتبط است، اما هدف از طرح این پرسش میزان اثرگذاری این موضوع بر مقایسه پذیری است که تمرکز کمیسیون اوراق بهادار و بورس آمریکا نیز معطوف به این قضیه می باشد.

فرض ضمنی دیگر این است که مؤسسه های آمریکایی که

گزارشگری نسبت به اصول پذیرفته شده است. با وجود این، اصول پذیرفته شده مجموعه‌ای از استانداردهای با کیفیت بالا هستند؛ اما کامل نیستند.

چگونگی بهبود استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی

استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی نیز کامل نیستند. این استانداردها که به وسیله تدوین‌کنندگان کشورهای مختلف از جمله کمیسیون اوراق بهادار و بورس به عنوان مبنایی برای گزارشگری مالی تنظیم شده‌اند، تمرکز بیشتری بر بهبود کیفیت گزارشگری مالی دارند. این امر، نخست بدین معناست که استانداردهای مزبور بر اساس چارچوب نظری شفاف و کاملی مبتنی بر اصول اقتصادی تدوین شده‌اند. چارچوب نظری، شالوده گزارشگری مالی است که به وضوح تبیین می‌کند که استانداردها چگونه هدف‌گذاری شده‌اند. تلاش برای به‌کارگیری هدفهای دیگر گزارشگری مالی می‌تواند موجب انحراف و نبود تمرکز و در نتیجه تأمین‌نشدن نیازهای استفاده‌کنندگان گوناگون شود.

نکته دوم آن است که در نظر گرفتن اینکه استانداردها مبتنی بر چارچوب مفهومی هستند، وظیفه استانداردها را آنان معتقدند که استانداردها پوشش کامل چارچوب مفهومی را امکان‌پذیر می‌سازد؛ مگر اینکه تحولی در گزارشگری مالی ایجاد شود. تدوین استانداردهای باکیفیت همچنین نیازمند در نظر گرفتن دیدگاه‌های تحلیلگران، تهیه‌کنندگان، حساب‌رسان، دانشگاهیان و قانونگذاران آگاه از نظام گزارشگری مالی و تأمین‌کنندگان سرمایه برون‌سازمانی است. از دید استفاده‌کنندگان از صورتهای مالی، اطلاعات تحلیلگران دارای اهمیت است؛ اما با وجود این، نظر افراد یادشده در چارچوب نظری پیش‌بینی نشده است، چرا که این افراد تأمین‌کنندگان سرمایه نیستند بلکه به عنوان مشاورانی برای استفاده‌کنندگان به ایفای نقش می‌پردازند. از اینرو به رغم ارزش دیدگاه تحلیلگران در فهم استفاده‌کنندگان از صورتهای مالی، این نظرها نباید به عنوان مهمترین عامل در نظر گرفته شود.

کلید پذیرش استانداردهای بین‌المللی گزارشگری

مالی به عنوان مجموعه‌ای از استانداردها، افزایش کیفیت گزارشگری مالی است. به‌کارگیری استانداردهای با کیفیت در جهان امری دشوار است؛ از اینرو استانداردها در سراسر جهان باید از تلفیق افکار در حوزه گزارشگری مالی بدون در نظر گرفتن هیچ استثنایی، اقدام کنند. بنابراین استفاده کردن و یا استفاده نکردن از استانداردهای بین‌المللی، در انتخاب یک کشور به عنوان عضو مشارکت‌کننده در این زمینه تأثیرگذار نخواهد بود. برای مثال، به رغم به‌کارگرفته نشدن استانداردهای بین‌المللی در کشور آمریکا، این کشور به عنوان عضو اصلی در حوزه گزارشگری مالی بین‌المللی شناخته می‌شود. بدین ترتیب، این امر دارای اهمیت است تا برخورد با این قضیه از منظر سیاسی نباشد.

افزون بر موارد یادشده، استانداردها در زمینه تغییر در استانداردها همواره با مخالفت‌هایی روبه‌رو هستند. برخی مخالفت‌ها از آن روی است که بسیاری، الزامها و استانداردهای گذشته را آموخته و با آنها خو گرفته‌اند و دیگر مخالفت‌ها به این دلیل است که تغییر مخرب و مختل‌کننده است. ارتباط تهیه‌کنندگان، راهبردها، الگوهای پیش‌بینی تحلیلگران، روشهای حسابرسی، قانونگذاران و منابع آموزشی دانشگاهیان همگی بر استانداردهای موجود مبتنی هستند. از اینرو در صورت تغییر این استانداردها، تمامی گروه‌های یادشده ملزم به اعمال تغییرهای لازم خواهند بود که این امر کاری بس دشوار است.

آینده چه خواهد شد؟

تاکنون مجموعه‌ای از استانداردهای گزارشگری مالی با کیفیت که در بازارهای سرمایه جهانی به صورت منسجم اعمال شود، تحقق نیافته است؛ ولی با وجود این، در طول پانزده سال اخیر پیشرفت شگرفی در این راستا پدید آمده است. به رغم تمایل نداشتن آمریکا به پذیرش این استانداردها در آینده‌ای نزدیک، صرف نظر کردن از این امر ناپخته به نظر می‌رسد. هیئت تدوین استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی برای دستیابی به این هدف باید تلاشهای خود را دوچندان کند تا بتواند استانداردهایی باکیفیت برای گزارشگری مالی تدوین کند. ایجاد توازن در کیفیت استانداردها تنها با همکاری با

عملکرد صحیح باعث می شود تا با صرف هزینه سرمایه کمتر، منافع بیشتری از بازار سرمایه کسب کنند. دانشگاهیان نیز باید دانشجویان خود را از موضوع گزارشگری مالی در بازار سرمایه جهانی آگاه کرده و از طریق تحقیقها بر دانش خود بیافزایند.

در پایان می توان چنین استنباط کرد که بازارهای سرمایه بین المللی، خواستار به کارگیری گزارشگری مالی جهانی هستند و در راستای رسیدن به این هدف تاکنون پیشرفتهای شگرفی پدید آمده؛ اما این امر به طور کامل تحقق نیافته است. گرچه نبود فعالیت و تلاش کمیسیون اوراق بهادار و بورس امریکا برای به کارگیری استانداردهای بین المللی در امریکا ناامیدکننده به نظر می رسد، اما خطرناک نیست. این حال، این امر نیازمند همکاری جهانی در راستای تدوین مجموعه ای از استانداردهای با کیفیت بالا است.

لازم به ذکر است حسابداران کانادا که به خوبی با استانداردهای بین المللی گزارشگری مالی و اصول پذیرفته شده حسابداری امریکا آشنا هستند، نقش ویژه و منحصر به فردی در گزارشگری مالی بین المللی به خود اختصاص داده اند.



پانوشته ها:

- 1- International Financial Reporting Standards (IFRS)
- 2- International Accounting Standard Board (IASB)
- 3- Generally Accepted Accounting Principles (GAAP)
- 4- Financial Accounting Standards Board (FASB)
- 5- Securities and Exchange Commission (SEC)
- 6- American Institute of Certified Public Accountant (AICPA)
- 7- Public Company Accounting Oversight Board (PCAOB)
- 8- Non-GAAP
- 9- International Organization of Securities Commissions (IOSCO)

منبع:

- Barth M.E., **Commentary on Prospects for Global Financial Reporting**, Stanford University Graduate School of Business Research, Paper No. 15-22, March 2015

اصول پذیرفته شده حسابداری امریکا، راهکاری مناسب برای پیشرفت به حساب نمی آید؛ به ویژه آنکه کمیسیون اوراق بهادار و بورس امریکا تاکنون فعالیتی در این زمینه انجام نداده است.

نادیده گرفته شدن اصول پذیرفته شده حسابداری امریکا، کاهش نبود هماهنگی در اجرای اصول و استانداردهای جهانی و در نهایت بهبود مقایسه پذیری در گزارشگری مالی، همگی گواه این امر هستند که استانداردهای بین المللی به عنوان مبنایی برای گزارشگری مالی در سطح جهانی به کار خود ادامه داده و مخالفتهای کشورهای مختلف را به کمترین اندازه خواهد رساند. اگر استانداردهای بین المللی با کیفیت بیشتری ارائه شوند، بازار سرمایه جهانی از مؤسسه های امریکایی تقاضا خواهد کرد تا از استانداردهای بین المللی گزارشگری مالی استفاده کنند.

یکنواختی در به کارگیری استانداردها، در نظارت هیئت تدوین استانداردهای بین المللی گزارشگری مالی نیست؛ بنابراین لازم است که تمامی مشارکت کنندگان در نظام گزارشگری مالی مشتمل بر حسابسان، قانونگذاران، تهیه کنندگان، تحلیل گران و دانشگاهیان حامی هیئت تدوین استانداردهای بین المللی گزارشگری مالی به دنبال رسیدن به هدف اصلی خود، یعنی ایجاد استانداردهای جهانی با کیفیت بالا باشند.

در این زمینه، حسابسان و به خصوص مؤسسه های حسابرسی بزرگ، نقش مهمی بر عهده دارند و سازمانهای جهانی با مهارت و تجربه می توانند کمک شایانی انجام دهند. افزون بر این، شبکه های جهانی نیز می توانند با اطمینان از به کارگیری منظم استانداردهای بین المللی گزارشگری مالی به آنها یاری رسانند. قانونگذاران نیز باید با تلاشهای مضاعف خود به این قطعیت برسند که استانداردهای بین المللی در کشورهای مختلف به صورت یکسان قابل اجرا بوده و قابلیت مقایسه را فراهم می کند. همچنین سازمان بین المللی کمیسیون های اوراق بهادار^۹ نیز با تشکیل انجمنی برای تلفیق اطلاعات، تجربه ها و مهارتها، نقش مهمی را ایفا می کند.

تهیه کنندگان صورتهای مالی باید به خاطر داشته باشند که